

بسم الله الرحمن الرحيم

## محمد مصطفی؛ بشری مثل ما

شخصیت محمد مصطفی «ص» مانند رسالت توحیدی و ندای آزادیبخش و عدالت طلبانه ای که برای اتحاد و نجات بشریت و حیاتی انسانی آورده است، هم نزد مسلمین و هم نزد غیرمسلمین، چندان روشن و مشخص نیست، و حتی در بعضی اوقات، تصور مجهول و همراه با خرافه‌گری از ماهیت و شخصیت محمد «ص» وجود دارد. این خرافات، گاهی (بیشتر در میان مسلمین) بیش از حد و ماهیت بشری‌اش او را بالا برده‌اند و حتی وجهه‌خدایی به او داده‌اند، و چنین تصور و برداشتی متأسفانه به ناهمواری و انحراف انجامیده و اسلامیت و کارعظیم محمد به خیال و خرافه سوق داده شده است. گاهی نیز (بیشتر از طرف اهل کفر و عناد) محمد را به انواع تهمت‌ها متهم کرده و در حق او ظلم و جفای بسیار کرده و مرتکب عناد و حماقت‌ها شده‌اند، و حتی سعی در تحریف نبوت ایشان نموده‌اند. آنچه باید در میدان شناخت واقعی محمد «ص» حتماً متوجه آن بود اینست که وقتی در سایه آیات قرآن، رسول و برگزیده‌الله شناخته شد و به مکان خودش در اذهان خرافی یا معاند بازگشت (امری که محتاج حداقل عقل و انصاف است) بقیه بزرگان و شخصیتها و امامان، که همراه با خرافه‌های عجیب و غریبی به مردم معرفی شده‌اند، روشن و آشکار میشود، و خرافه‌های شرک‌آمیز منتسب به آنها روی آب می‌آید، و شخصیت و ماهیت و علم و دیگر ابعاد وجود آنها محل مناقشه نمی‌ماند. زیرا به اتفاق و اجماع مسلمین، همه بزرگان و شخصیتها و امامان اسلام، ما دون محمد «ص» بوده و بعد از رسول اکرم قرار می‌گیرند. در این بحث روشن و مختصر، محمد مصطفی با تکیه بر مجموعه‌ای از آیات مُحکَم قرآن، در ابعاد: ماهیت بشری محمد «ص»، مأموریت او جهت ابلاغ کامل وحی، رابطه ایشان با علم غیب، حصر اطاعتش از وحیی که بر او نازل شده، حصر انذار

و بیدارگری اش در وحی الله ، و وضعیت و موضع ایشان ما قبل نبوت ، معرفی میشود ، و ان شاء الله مؤثر واقع خواهد شد .

## ماهیت بشری محمد «ص» و رابطه ایشان با وحی

قرآن مبین در سوره فصلت آیه ۶ درباره « ماهیت خلقت محمد و بشری بودن او » چنین اعلام می دارد : **قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ** : « بگو ( ای محمد ) غیر از این نیست که من بشری مثل شما هستم که بر من وحی میشود . آنچه واقعیت دارد اینست که معبود و قانونگذار شما واحد و یکتاست ، پس روی خود را ( به قصد اطاعت ) بسوی او راست کرده و از او طلب عفو و بخشش نمایید ، و بدا بحال مشرکین که مثل و مانند و شریکی در ماهیت و صفات و اطاعت برای الله میسازند » .

همچنین این موضوع در سوره کهف آیه ۱۱۰ با صراحت هر چه بیشتر چنین بیان شده است : **قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا** : « بگو و اعلام کن (ای محمد) که جز این نیست که من بشری مثل شما هستم که بر من وحی میشود . آنچه واقعیت دارد اینست که معبود و قانونگذار شما واحد و یکتاست . پس کسی که امیدوار به لقای الله و روز قیامت است ، باید عمل صالح و سازنده انجام دهد و احدی را در اطاعت و فرمانبری شریک خالق خویش قرار ندهد » . چقدر بدیهی می نماید که کسیکه برای اولین بار این آیات واضح و صریح به گوشش میرسد و در عین حال مطلع از انبوه خرافات در این رابطه است ، متعجب و متحیر شود و فاصله مسلمین از محتوای آیات قرآنی را بسیار عمیق تصور نماید؟! در این آیات سه اصل بصورت خیلی واضح بیان شده اند : **اصل اول** عبارت است از بشری بودن محمد «ص» و بشری بودنش مثل سایر مردم ، هم در بعد خلقت و ماهیت ، هم در بعد علم و معلومات ، و هم در بعد حیات و ممات . **اصل دوم** این آیه اینست که برای محمد «ص» از طرف الله وحی نازل میشود ، و این همان نبوت و گزینش ایشان به پیامبری و وظیفه رسولی و لیاقت ایشان برای این کار اساسی میباشد . و **اصل سوم** این آیات دعوت به توحید و عمل صالح و برحذر داشتن بشریت از شرک به الله در ماهیت و صفات و قانونگذاری و مشخصاً عدم رساندن رسول الله به مرحله خدایی و مصدریت است .

## امر به تلاوت و اعلام کامل وحی

قرآن مُنیر در سورهٔ كهف آیه ۲۷ با صراحت تمام و همراه با هشدار و انذار ، محمد رسول الله را موظف کرده است که هر آنچه از وحی الله بر او نازل میشود ، بر مردم قرائت کند و آن را اعلام و اظهار نماید . امر و هشدارى که با توجه به اطاعت کامل از الله رب العالمین اثبات میکند که به جز آیات قرآن نه کلمه‌ای بنام وحی وجود دارد و نه حرفی از علم غیب! ، و هرچه از طرف الله بر محمد مصطفی نازل شده ، قرائت و اظهار و اعلام شده است. به نص آیه توجه فرمایید : **وَ أَتْلُ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا :** « تلاوت و اعلام نما آنچه از کتاب خالقت ( قرآن ) به تو وحی شده است ، در کلمات و قوانین الله و وعده های او انحراف و تغیری وجود ندارد ، ( و باید بدانی که اگر قرائت و اعلام نکنی ) هرگز به غیر از الله ملجاء و پناهگاهی نخواهی داشت » .

علاوه بر این در سورهٔ عنكبوت آیه ۴۵ این موضوع و این امر صریح بدینصورت آمده است : **أَتْلُ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ :** « آنچه از کتاب الله (قرآن) به تو وحی شده قرائت و اعلام کن » . این آیات واضح و صریح و این اوامر مبین الله به رسول اسلام دو امر را از هر مناقشه و ابهامی بیرون می آورند : **اولاً** این آیات قرآنی و توحیدی جای هیچ سخن و مناقشه ای در رابطه با حصر وحی و علم غیب در قرآن باقی نمیگذارند . بنابراین ، بعد از قرآن هرچه هست در محدودهٔ علم بشری و شناخت بشری قرار میگیرد ، و احادیث رسول هم ، علیرغم اهمیت و ارزش عظیم آنها ، در محدودهٔ علم و شناخت بشری و اجتهاد قرار میگیرند . **ثانیاً** خود رسول اکرم نیز ، علاوه بر امین بودن و معصوم بودن در اعلام وحی ، موظف به اعلام کامل وحی و ابلاغ تمام وحی بوده است و می بایست ایشان رسالت و رسولی خود را به نحو احسن و بدون تقصیر به انجام برساند و همهٔ رساله‌ها و پیامهای الله را بصورت بلیغ و مبین به مردم و بشریت ابلاغ نماید ، و در این رابطه قرآن کریم در آیات متعدد، این امر را به محمد مصطفی تذکر داده و او را موظف به دقت در این باره کرده است . و نبیِّ امین اسلام هم در طول نبوت ۲۳ ساله اش همیشه بین آیات قرآن و سخنان و اجتهادات خودش تمیز قائل شده و در این رابطه صحابه و مردم را مطلع کرده است . و همین است که از اول ، وحی بنام قرآن و آیات و قوانین الله اعلام شده و سخنان و اجتهادات نبی نیز به عنوان حدیث و سنت اعلام و مشهور

شده است. خوب وقتی که وضع چنین است و حتی علم و اجتهاد نبی اسلام، بشری و ما دون وحی و علم غیب میباشد، دیگر برای اشخاص و بزرگان بعد از رسول حرف و سخنی باقی نمیماند، و بشری بودن عقل و علم و محدودیت زمانی و مکانی آنها جزو بدیهیات میگردد.

## رابطه محمد مصطفی با علم غیب

قرآن منیر در سوره و آیات متعددی، موضوع علم غیب و رابطه آن با رسول الله را به صراحت تمام مطرح و ارائه داده است، در نتیجه برای قضاوت و موضعگیری در این باره نه نیازی به غیر از قرآن وجود دارد و نه کسی محتاج تفکر و استنباط و اجتهاد می باشد. در اینجا از میان آیات مربوطه، دو آیه واضح و جامع در همینجا ارائه میگردد. قرآن منزل در سوره اعراف آیه ۱۸۸ موضوع علم غیب و رابطه آن با رسول الله را بدین صورت اعلام میدارد: **قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ**: « بگو و اعلام کن (ای محمد) که من صاحب نفع و ضرر خود نیستم، مگر آنچه الله بخواهد، و اگر علم غیب میدانستم برای خود طلب خیر و نفع بسیاری میکردم و ضرری هم به من نمیرسید، من نیستم جز بیدارگر و بشارت دهنده برای آنهایی که ایمان می آورند و زمینه گرویدن به اسلام را دارند ». این آیه مبین همه چیز را جواب میگوید، و به تنهایی برای روشن سازی رابطه علم غیب با رسول اکرم کفایت میکند، و نیازی هم به هیچ توضیح و توجیهی ندارد!، حال تصور کنید، وقتی که محدوده علم و آگاهی رسول چنین است، حال و اوضاع دیگران و بقیه بزرگان و ائمه اسلامی چگونه میباشد؟! آیا همین آیه برای عادی سازی تصور فوق العاده ای که از انبیاء و امامان و بزرگان در میان مسلمین و جوامع اسلامی ایجاد و رایج شده است کفایت نمیکند؟، آیا اگر همین آیه در میان مسلمین رایج بود، بسیاری از خرافه ها مجال ظهور پیدا میکردند؟ و آیا رواج این آیه و امثال آن، بت های بسیاری را درهم نخواهد شکست؟ همچنین در سوره انعام آیه ۵۰ عدم برخورداری رسول الله از علم غیب، بدین صورت اعلام شده است: **قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ**: « بگو و اعلام کن (ای محمد) من به شما نمیگویم که خزائن علم

الله نزد من است ، و من علم غیب نمی دانم ، و من به شما نمیگویم که من مَلک (ملائکه ) هستم ، من تبعیت و اطاعت نمیکنم جز آنچه بر من وحی میشود . بگو آیا انسان کور و بیخرد با انسان بینا و صاحب بصیرت یکی هست؟! ، پس آیا تفکر نمیکنید؟! ». اینهم آیه‌ای دیگر دربارهٔ بهره مندی محمد مصطفی از علم غیب ، که با صراحت تمام نفی میشود ، و علم غیب رسول اکرم منحصر در وحیی است که بر او نازل شده و آنهم اعلام شده و تماماً در قرآن آمده است. وحیی که قبل از هر کسی، نبی مَوْحِدِ اسلام مطیع و پیرو آن و فقط از آن اطاعت میکند . علاوه بر اینها ، این آیهٔ مبین ، مخاطبین را دعوت بحقایق بیشتری میکند و با مقایسهٔ دو نوع انسان ( بی خرد و دارای بصیرت ) مردم را به تفکر و اندیشه راهنمایی و آنها را از بیخردی و بی مسئولیتی برحذر میدارد .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران  
۳ جمادی الثانی ۱۴۲۴ - ۱۰ مرداد ۱۳۸۲

ادامه دارد